

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنسیترال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نہانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نہانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحد آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نہانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگوری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیرسنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازتابی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_41090.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹
صفحات ۵۸۵ الی ۶۰۶، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۳/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۲

قطعه‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازنمایی نبرد حق و قدرت در جهان نامتحد

دکتر نادر ساعد*

چکیده: قطعه‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، پرده‌ای دیگر از نبرد سنتی حق و قدرت در نظام بین‌المللی است؛ نبردی که هشت سال از رسیدگی‌های شورای حکام و پنج سال از دستورکار شورای امنیت را عینیت بخشیده و هر از چندگاهی در قالب گزارش مدیرکل، بیانیه رئیس، قطعه‌نامه شورای حکام و یا شورای امنیت چهره حقوق وضعی به خود گرفته، بازتولید این نبرد را محملی برای تکاپوی دو جریان حفظ/وضع قواعد حقوقی قرار داده است؛ جریانی که چون طرفین آن را قدرتهای هسته‌ای (و متحدین) و دولتهای غیرهسته‌ای تشکیل می‌دهند، خود به پهنه‌ای برای تقابل شدید تفکرهای سیاسی معاصر دولتی در باب نظم بانئی / نظم‌سازی؛ حفظ ساختار/ساختارشکنی، حفظ وضع موجود/عادلان‌سازی روابط بین‌المللی تبدیل شده است.

تحلیل نقطه‌ای و جزئی قطعه‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، هرچند نتایجی ملموس‌تر و کاربردی در پی دارد اما قاصر از تولید راهبرد است. در این نوشتار، به قرار دادن این مصداق در گستره کلان تعارض منافع دودسته از دولتها (امریکا و سه دولت اروپایی عضو گروه ۶ به نمایندگی قدرتها^۱ و ایران به نمایندگی جهان سوم غیرهسته‌ای)^۲، چرایی مفاد این قطعه‌نامه و مواضع ایران را قابلیت درک راهبردی بخشیده است. صد البته که این نوشتار تنها متضمن محورهایی موجز و انتخابی از این سند پر دامنه و پیچیده است.

* مسؤل دپارتمان دانشگاهیان مجمع جهانی صلح اسلامی

^۱ اینکه از دو قدرت هسته‌ای چین و روسیه نامی به میان نیامده، مبتنی بر این دیدگاه است که سیاست هسته‌ای آنها دارای پایه‌هایی متفاوت از چهار دولت دیگر گروه ۶ بوده، حضور آنها در نظام پذیرش قطعه‌نامه‌های هسته‌ای علل پیچیده‌ای دارد که الزاماً موجب همراهی‌شان با تفاسیر امریکا و دیگران از حقوق هسته‌ای نیست.

^۲ به نظر می‌رسد که هرچند این قطعه‌نامه ناظر بر مورد ایران است اما مواضع ایران در خصوص حقوق هسته‌ای (حداقل در برخی ابعاد) باعث نگرانی و نقطه نظر سایر دولتهای غیرهسته‌ای نیز هست.

کلیدواژه‌ها: قطعنامه ۱۹۲۹، شورای امنیت، حقوق هسته‌ای، پرونده هسته‌ای ایران، حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد.

«بشریت مدتی است به فکر افتاده که به جای توسل به زور و فشار، اختلافات خود را از طریق حق و عدالت حل و فصل نماید. منشأ این فکر عالی و مقدس تجربیات تلخ و خونینی است که به انسان آموخته هرگز زور و فشار از عکس‌العمل‌های تند و خشونت‌انگیز مصون نخواهد ماند.»^۳

مقدمه

وضعیت ناپایدار اجتماع بین‌المللی و تأثیر آن بر انتظارات از نظام حقوقی و همچنین کارکردهای آن، موضوعی است که به نظر می‌رسید با تحولات نیمه دوم قرن بیستم از نگرانی‌های یافته باشد. اما با تدقیق در اغلب عرصه‌های مناسبات بین‌المللی، بقای این نگرانیها محرز می‌گردد. «تناقض شدیدی میان منافع حفظ شده بوسیله قواعد گذشته و منافع جدیدی که به منظور ظهور آن پافشاری می‌کنند»^۴ به وجود آمده و بر این عرصه‌ها سایه افکننده است: «قدرت هسته‌ای کشورهای را که حاکمیت واقعی دارند، از آنهایی که ندارند تفکیک می‌کند»^۵. از این رو، حقوق هسته‌ای به مثابه منظومه‌ای از نظام حق-تعهد حاکم بر تولید و توسعه انرژی هسته‌ای و کاربست آن، بارزترین نمود این تناقض است؛ از یک سو، قواعد غالب که بر تقدم «تعهدات» دولتهای غیرهسته‌ای استوارند، به سمت و سوی محدودسازی حداکثری «حقوق» این دولتهای تفسیر و اجرا شده‌اند و از سوی دیگر، نهضتی دامنه‌دار از تکاپوی این دولتهای برای احیای حقه‌های فراموش شده خود و خارج کردن آنها از زیر هزاران رویه متعارض و یکسویه غرب، چندسالی است که به اوج رسیده است. در این جهان نامتحد، جدالی میان حفظ و تقویت قواعد موجود (رویکرد غرب) و تفسیر جدید و حق محور از قواعد یا بازخوانی و احیای حقه‌های اجرانشده موجود و لاجرم خلق قواعد جدیدی که منافع جمعی اکثریت دولتهای را بر معدودی قدرتها ترجیح دهد (رویکرد جهان سوم)، در گرفته که حقوق هسته‌ای را در نخستین سطح از مسائل حیاتی نظام بین‌المللی معاصر

^۳ نخستین جمله از دفاعیات دکتر مصدق در دیوان بین‌المللی دادگستری در رابطه با دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس، گزارش شماره ۴/۵۲ دیوان، ۹ ژوئن ۱۹۵۲ (۱۹ خرداد ۱۳۳۱)؛ در: مترجم نامشخص، مدافعات آقای دکتر محمد مصدق و آقای پروفیسور رولن در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه راجع به اثبات عدم صلاحیت دیوان مزبور در رسیدگی به موضوع ملی شدن صنعت نفت در ایران از ۱۹ خرداد تا ۲ تیر ۱۳۳۱، انتشارات زبرجد، بی‌تا، ص ۳.

^۴ مونیک شملیله ژانرو، بشریت و حاکمیتها: سیری در حقوق بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران، آگه، ۸۲، ص ۱۱۶.

^۵ همان، ص ۲۳.

قرار داده است. قطعنامه شورای امنیت در زمینه برخورد با فعالیتهای هسته‌ای کشورمان را باید در این پهنه مورد تحلیل قرار داد.

قطعنامه ۱۹۲۹، ششمین قطعنامه شورا و پنجمین قطعنامه تحریم است که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ بر مبنای فصل هفتم منشور با محتوایی دالّ بر ادامه و تشدید تحریمها و اصرار بر همه قطعنامه‌های گذشته و الزامات قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ و قطعنامه جدید ۲۰۰۹ شورای حکام^۶ به تصویب رسیده است.^۷ شورا علاوه بر قطعنامه‌هایی که به صورت موردی و در مجال بررسی دستور کار اختصاصی خود در مورد برنامه هسته‌ای کشورمان تصویب کرده، از فرصتهای دیگر نیز بدین منظور بهره برده است. در واقع، شورای امنیت برای نخستین بار در طول تاریخ فعالیت خود و با رویکردی بدیع یا بدعتی شگفت‌انگیز، در قطعنامه ۱۸۸۷ که کلی، و از نوع سیاستگذاری در خصوص عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای است، به صورت صریح به مصادیق هم اشاره نموده و وضعیت برنامه هسته‌ای کشورمان و کره شمالی را به عنوان «نگرانی جامعه بین‌المللی» و مشمول این سیاستهای شورا عنوان نموده است. بر همین اساس است که نخستین بند از مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ نیز به مجالی برای تأیید مجدد همین موضوع تبدیل شده و شورا در آن ضمن یادآوری قطعنامه‌های چهارگانه قبلی، قطعنامه ۱۸۸۷ را نیز یادآوری نموده است.

تصور حقوقدانان بر این است که تحریم اقتصادی یکجانبه به دلیل موانعی که فراروی همکاریهای بین‌المللی ایجاد می‌نماید، ناقض منشور ملل متحد (مواد ۱ و ۲) است.^۸ با این حال، تحریمهای شورای امنیت، خود مستند به ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور و به منظور اعاده صلح و امنیت بین‌المللی جلوه می‌کنند. اما آیا به راستی تحریمهای تدریجی مندرج در قطعنامه‌های ششگانه شورا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ که ظاهری چندجانبه و بین‌المللی و مستند به فصل هفتم منشور دارند، گامی در راستای اعاده صلح بوده‌اند یا اینکه صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی را بیش از پیش در تردید و تهدید قرار داده‌اند؟ در نوشتار زیر به تجزیه و تحلیل محورهای برگزیده و ابعادی انتخابی از این قطعنامه خواهیم پرداخت.^۹

^۶ گزارش‌دهی فعالیتهای هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت، بر اساس بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس و ماده ۱۹ موافقتنامه پادمانی ایران و آژانس مصوب ۱۳۵۲ بوده است.

^۷ سال ۲۰۰۶: دو قطعنامه (۱۶۹۶ و ۱۷۳۷)؛ سال ۲۰۰۷: یک قطعنامه (۱۷۴۷)؛ سال ۲۰۰۸: دو قطعنامه (۱۸۰۳ و ۱۸۳۵)؛ سال ۲۰۰۹: قطعنامه ۱۸۸۷؛ سال ۲۰۱۰: یک قطعنامه (۱۹۲۹). گفتنی است که قطعنامه ۱۸۸۷، قطعنامه‌ای کلی است اما در آن به ایران و کره شمالی صراحتاً اشاره شده است.

^۸ جمشید ممتاز، «تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل»، در ایران و حقوق بین‌الملل، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۲۵.

^۹ شرح و نقد کامل قطعنامه، مستلزم مطالعه‌ای تفصیلی و خارج از حوصله این نوشتار است. امید است که نقد و ارزیابی نسبتاً همه‌جانبه این قطعنامه و سایر قطعنامه‌ها و اسناد حقوقی شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که توسط نویسندگان در شرف اتمام است، به زودی در قالب اثری با عنوان حقوق هسته‌ای ایران

بند اول: روح قطعنامه ۱۹۲۹ و معیارهای استاندارک آن

به منظور تحلیل، تعبیر و تفسیر محورهای قطعنامه در فضایی مبتنی بر ادبیات حقوقی و شناختی معتبر فارغ از تمایلهای سیاسی، لازم است چند سنجه و شاخص مهم را که پیش شرط دستیابی به این ادراک است، مورد توجه جدی قرار داد. بدون شک، با درک معتبر و همچنین آشنایی با تفسیرهای جهانی از قطعنامه، بهتر می‌توان در روند تصمیم‌سازی و تدوین راهبردهای ملی، نقشی راهگشا ایفا نمود.

۱- مبنا و ماهیت حقوقی تصمیم شورا

شورای امنیت در بیانیه سران در سال ۱۹۹۲ به بعد، گسترش سلاحهای کشتارجمعی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخته است. اما در بند ۲۲ مقدمه قطعنامه، برنامه هسته‌ای کشورمان را بدون اینکه تهدید صلح بدانند (در این خصوص، تعدیلی نسبت به قطعنامه قبلی صورت گرفته است)، متضمن «خطر» گسترش سلاحهای هسته‌ای و به همین دلیل، مشمول فصل هفتم شمرده است. از همین رو، در بندهای ۲۲ و ۲۴ مقدمه به صورت صریح، به مسؤولیت اولیه شورا طبق منشور در خصوص حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته و اقدام در تصویب این قطعنامه را بر اساس ماده ۴۱ فصل هفتم منشور قرار داده است. اما نباید فراموش کرد که شورا هم همانند شورای حکام تنها از «خطر» گسترش یاد کرده بدین معنا که با وجود طرح اتهام انحراف از مقاصد صلح آمیز توسط امریکا از ۴ اوت ۱۹۹۶ تاکنون،^{۱۰} اطمینانی در مورد واقعیت داشتن گسترش، نه در شورا و نه در آژانس وجود ندارد. نکته این است که شورا چگونه می‌تواند بدون احراز «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» و برشماری این تهدید، به فصل هفتم منشور متوسل شود. به عقیده شماری از صاحب‌نظران «هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت، وضعیت پرونده هسته‌ای ایران یعنی الزام به تعلیق غنی‌سازی و الحاق به پروتکل پادمان را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمی‌کند و این ایراد بزرگی است که به شورای امنیت وارد است که چرا بدون آنکه وضعیت تهدید را احراز کند، به فصل هفتم منشور متوسل شده است. در واقع، هدف شورا صدور قطعنامه‌هایی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نبوده بلکه هدف شورا الزام ایران به توقف غنی‌سازی و الحاق به پروتکل پادمانی بوده است».^{۱۱}

در هر حال، استناد به فصل هفتم بدان معنا است که اجرای مفاد آن برای همه مخاطبان الزامی

در نظر و رویه بین‌المللی منتشر و به جامعه حقوقی عرضه شود.

^{۱۰} این اتهام رسماً در قانون داماتو- کندی یا قانون ایران- لیبی مطرح شد و متعاقب آن، تحریمهایی یکجانبه از سوی امریکا اعمال شد. نک: جمشید ممتاز، «پرونده هسته‌ای ایران و نظام عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای»، متن سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشگاه تهران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۲.

^{۱۱} همان، صص ۷-۸.

است. مخاطبین قطعنامه نه تنها ایران (مخاطب اصلی) بلکه همه دولتها، همه اعضای ملل متحد، دبیرکل ملل متحد، مدیرکل آژانس، کمیته ویژه شورای امنیت، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و نهایتاً همه نهادهای بین‌المللی است. شورا برای هر یک از این مخاطبین، تعهدات و الزامات خاصی را پیش‌بینی کرده است. با اینکه امری بودن اجرای تصمیمات فصل هفتمی شورای امنیت، از نظر حقوقی روشن و واضح است اما جدا بودن آن از مجموعه قواعد حقوق عام و طبقه‌بندی هنجارهای قراردادی، عرفی و اصول کلی حقوق، این استنتاج را ممکن می‌نماید که تصمیمها و تشخیصهای شورا حتی در این موارد نیز فی‌نفسه موجب قاعده‌ای نوعی با وصف قراردادی، عرفی یا آمره نبوده،^{۱۲} سرشت هنجارهای مورد استناد را که در معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای نهفته‌اند، تغییر نمی‌دهد؛ به واقع، الزامات این معاهده همچنان قراردادی باقی خواهند ماند.

۲- متدولوژی نگارش و تنظیم قطعنامه

برخلاف سایر قطعنامه‌های قبلی شورا که حتی به صورت حداقلی، به برخی از نقاط مثبت عملکرد ایران یا استقبال از برخی مواضع هم اشاره کرده بودند، قطعنامه ۱۹۲۹ بر اساس متدولوژی «محاکمه و محکومیت» ایران تنظیم شده و متن آن بیش از آنکه یک قطعنامه باشد، به متن لایحه‌ای تدوین شده از سوی وکلای شاکیان و کیفرخواستی از سوی دادستان شباهت داد. همه مقدمات یک به یک طوری کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرند که به سادگی می‌توان محکومیت را از هرکدام از آنها نتیجه گرفت. بند چهارم مقدمه بارزترین نماد از یک شبه-کیفرخواست علیه ایران است:

«همانگونه که در گزارشهای مورخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۶، ۸ ژوئن ۲۰۰۶، ۳۱ اوت ۲۰۰۶، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶، ۲۲ فوریه ۲۰۰۷، ۲۳ مه ۲۰۰۷، ۳۰ اوت ۲۰۰۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷، ۲۲ فوریه ۲۰۰۸، ۲۶ مه ۲۰۰۸، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹، ۵ ژوئن ۲۰۰۹، ۲۸ اوت ۲۰۰۹، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ و ۳۱ مه ۲۰۱۰ مدیرکل آژانس آمده، ایران:

- تعلیق کلیه فعالیتهای غنی‌سازی و بازفرآوری و پروژه‌های آب سنگین خود را به صورت کامل و پایدار انجام نداده است؛

- و همکاری خود با آژانس بر اساس پروتکل الحاقی را اعاده نکرده است؛

- و در خصوص مسائل باقیمانده همکاری‌ای که لازمه حذف احتمال ابعاد نظامی برنامه

^{۱۲} در مقام بیان سلسله مراتب قواعد گفته می‌شود که «فارغ از معاهدات و اصول کلی حقوق داخلی و بین‌المللی، قواعد عرفی نیز دارای دو بافت متفاوت تخطی‌پذیری (عرفهای عادی) و تخطی‌ناپذیری (عرفهای آمره) هستند. نک: پی‌یر ماری دوپویی، «قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی کیفری و قواعد آمره»، ترجمه سیدعلی هنجی، مجله حقوقی، ش ۳۳، ۱۳۸۴، صص ۲۳۲-۲۳۱.

هسته‌ای بوده، انجام نداده است؛
 - و سایر اقدامات درخواستی آژانس را انجام نداده است؛
 - و به مقررات قطعنامه‌های قبلی شورا که لازمه ایجاد اعتماد بوده، پایبند نبوده است؛
 و عدم اتخاذ این اقدامات را محکوم می‌کند».
 متعاقب این ارزیابی و سپس محکومیت عملکرد کشورمان، به پیش‌بینی الزاماتی دائر بر تأیید الزامات گذشته و همچنین وضع الزامات اضافی و جدید مبادرت می‌ورزد.

بند دوم: افزوده‌های قطعنامه ۱۹۲۹ به قطعنامه‌های قبلی

قطعنامه‌های شورای امنیت، رویکرد تحکم و امری‌سازی پیشنهاد‌های داوطلبانه شورای حکام،^{۱۳} تأیید مراحل قبلی و افزودن محورهای جدید و مشدد را اتخاذ کرده‌اند.^{۱۴} در قطعنامه ۱۹۲۹، علاوه بر تکرار محورهایی از قطعنامه‌های گذشته خواه به صورت کامل یا با کمی تغییر، محورهایی جدید نیز مطرح شده است. به واقع، محورهایی در این قطعنامه وجود دارند که در قطعنامه‌های قبلی سابقه‌ای ندارند. شایان ذکر است که برخی از این محورهای تأسیسی و جدید، از منظر امنیت ملی کشورمان، بسیار حائز اهمیت و حیاتی هستند.

ردیف	محور موضوعی	مبنای طرح در قطعنامه‌ها	نحوه طرح در قطعنامه ۱۹۲۹
۱	اجرای کامل الزامات شورای حکام	همه قطعنامه‌ها	تکراری
۲	تعلیق غنی‌سازی	قطعنامه ۱۷۳۷ به بعد	تکراری
۳	تصویب و اجرای پروتکل الحاقی	همه قطعنامه‌ها	فوری و بی‌قید و شرط بودن حذف شده است. صرفاً اجرای پروتکل مطرح شده است و نه تصویب.
۴	پذیرش بازرسی از اماکن، مصاحبه‌ها و ارائه اسناد درخواستی آژانس	همه قطعنامه‌ها	تکراری
۵	عدم فعالیت موشکی	-----	جدید
۶	عدم خرید اقلام عمده دفاعی	-----	اقلام سنگین دفاعی
۷	تصویب معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای	-----	جدید

^{۱۳} تعلیق غنی‌سازی و تصویب پروتکل الحاقی، در قطعنامه‌های شورای حکام صرفاً به عنوان اقدامات داوطلبانه و اختیاری پیش‌بینی شده بودند اما شورای امنیت آنها را به تعهداتی در پرتو فصل هفتم منشور تبدیل نمود.
^{۱۴} تنها قطعنامه ۱۸۳۵ است که فاقد محتوای تشدیدکننده و جدید است. علت این امر، فراهم نبودن شرایط در میان اعضای دائم شورای امنیت یعنی اختلاف نظر آمریکا و روسیه به دلیل وقوع بحران گرجستان بوده است. نک: جمشید ممتاز، «پرونده هسته‌ای ایران و نظام عدم اشاعه سلاح هسته‌ای»، پیشین، ص ۹.

تکراری	همه قطعهنامه‌ها	حل کلیه مسائل باقیمانده	۸
تصریح آن جدید است.	کلیت آن در همه قطعهنامه‌ها	حضور سپاه در بخشهای حساس هسته‌ای	۹
جدید	----	محکومیت ایجاد تأسیسات جدید غنی‌سازی قم	۱۰
جدید	----	افزایش سطح غنی‌سازی در ایران	۱۱
شفاف‌تر و همراه با تفسیر نتیجه دار	قطعهنامه ۱۸۰۳ به بعد	نگرانی از مخالفت ایران با حق آژانس در راستی آزمایشی اطلاعات طراحی	۱۲
با شفافیت و تفصیل بیشتر	از ۱۷۳۷ به بعد	حق بازرسی دولتها از محموله‌های ایرانی	۱۳
جدید	----	ممنوعیت تفسیر موسع قطعهنامه	۱۴
جدید	----	محرومیت از ایجاد تأسیسات جدید غنی‌سازی	۱۵
جدید	----	محرومیت از فعالیت و سرمایه‌گذاری در معادن و مواد هسته‌ای در خارج از کشور	۱۶
تکراری	از ۱۷۳۷ به بعد	گزارش‌دهی به کمیته شورای امنیت	۱۷
جدید	----	عدم ارائه خدمات بونکری	۱۸
جدید	----	عدم ارائه خدمات مالی و بیمه‌ای	۱۹
جدید	----	تشکیل هیأت کارشناسان	۲۰
تکراری	۱۷۳۷ به بعد	گزینه‌های سه گانه فراروی ایران و شورای امنیت	۲۱
در قطعهنامه جدید، چارچوبهای فشار، گسترش یافته است.	از ۱۷۳۷ به بعد	محرومیت از دسترسی به اقلام دفاعی سنگین	۲۲

۱- تأسیسات غنی‌سازی قم و مسأله تأیید نبود تأسیسات دیگر

شورا با «ابراز نگرانی از ایجاد تأسیسات جدید غنی‌سازی در قم برخلاف الزامات تعلیق غنی‌سازی در قطعهنامه‌های شورا و برخلاف الزامات ترتیبات فرعی موافقتنامه پادمانی دائر بر اعلام قبلی آن به آژانس (چراکه آژانس قبل از سپتامبر ۲۰۰۹ از آن مطلع نبوده است)»^{۱۵} عدم اطمینان به وجود

^{۱۵} این موضوع، به کد ۱-۳ ترتیبات فرعی و مسأله زمان‌بندی اعلام اطلاعات طراحی باز می‌گردد که خود به صورت مجزا هم مد نظر قرار گرفته است. دیدگاه ایران این است که با توجه به تعلیق این بند، ارسال اطلاعات «قبل از شروع طراحی تأسیسات»، الزامی نبوده بلکه «اعلام قبل از آغاز به کار و راه‌اندازی» کفایت می‌کند. اما طبق اصلاحیه این بند که در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۰۳ به امضای رئیس جمهور وقت رسیده، کشور باید به محض تصمیم به ساخت تأسیسات، آژانس را مطلع سازد. نک: جعفر مقدم و بهمن فلاحت‌راد، «مروری بر مقررات پروتکل الحاقی و خلاصه‌ای از نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران»، در: سیدحسین موسویان (گردآورنده)، پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، صص ۲۶۳ و ۳۱۳.

تأسیسات دیگری غیر از قم را مطرح نموده است. در واقع، شورا با استصحاب این اقدام، احتمال وجود رویه‌ای در این رابطه را در عملکرد کشورمان منتفی ندانسته به همین دلیل، همانند آژانس از کشورمان خواسته است تا صحت نداشتن چنین فرض و رویه‌ای را رسماً تأیید نماید.

شورای حکام در قطعنامه ۸۲ سال ۲۰۰۹، کشورمان را ملزم نموده که فقدان هیچ‌گونه تأسیسات دیگر یا تصمیم به ایجاد آنها را رسماً تأیید و به اطلاع آژانس برساند. شورای امنیت هم این امر را مورد تأکید قرار داده است. در واقع، این رهیافت و طرز نگاه مبین این است که دو رکن مذکور، وجود تأسیسات دیگر غنی‌سازی یا تصمیم به ایجاد آنها را امری فراتر از حقوق ایران می‌شمارند. مبنای این رهیافت، نه موازین خاص حقوق هسته‌ای بلکه حقوق ملل متحد یعنی قطعنامه‌های شورا مبنی بر لزوم تعلیق غنی‌سازی است.

۲- افزایش سطح غنی‌سازی در ایران

در قطعنامه‌های قبلی، سطح غنی‌سازی کشورمان در حد ۳/۵ درصد به تأیید دبیرخانه و هیأت بازرسی آژانس رسیده بود. شورا «نگرانی خود از رسیدن سطح غنی‌سازی اورانیم ایران به ۲۰ درصد و عدم تطبیق مقررات پادمانی موجود با آن» را در قطعنامه جدید ابراز داشته است. علت ابراز نگرانی شورا، تصور عدم پیشرفت غنی‌سازی از سطح مذکور به دلیل وجود تعهد به تعلیق غنی‌سازی بوده است.

شورا با این قطعنامه، هم از نفس افزایش شگفت‌انگیز سطح غنی‌سازی از ۳/۵ به ۲۰ درصد ابراز نگرانی کرده و هم اینکه مقررات پادمانی ایران با چنین درصدی از توسعه غنی‌سازی انطباق ندارد و کشورمان مقررات پادمانی را متناسب با این پیشرفت‌ها، تغییر نداده است. البته نقد مهمی که در این خصوص وجود دارد، به عملکرد آژانس مربوط می‌شود و نه ایران. مسؤولیت درخواست ارتقای مقررات پادمانی، با آژانس است و ظاهراً تاکنون درخواستی از آژانس برای تغییر پادمان متناسب با سطح غنی‌سازی صورت نگرفته است. با این حال، تأکید قطعنامه بر سطح غنی‌سازی تا ۲۰ درصد، مؤید این است که وضعیت فنی غنی‌سازی در ایران تنها در حد اندک بوده و اورانیم حاصله هم «اورانیم باغنای اندک» است. بنابراین، مسأله وجود یا غنی‌سازی اورانیم باغنای بالا که پس از نمونه برداریهای ۲۱ فوریه ۲۰۰۳ در تأسیسات نطنز مطرح و شده بود، موضوعی حل شده است و سطح غنی‌سازی موجود از نظر فنی ارتباطی با ظرفیت کاربری تسلیحاتی اورانیم غنی شده ندارد.

۳- درخواست تصویب معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای در اسرع وقت

با اینکه هنوز بعضی اعضای دائم شورا، خود اقدامی به منظور تصویب این معاهده به عمل نیاورده‌اند، از ایران خواسته‌اند سند مذکور را که در سال ۱۹۹۶ امضا نموده، به تصویب برسانند. تأکید شورا بر «تصویب سریع» است و نحوه تصویب را با لحنی که در قطعنامه‌های قبلی در مورد

پروتکل الحاقی یعنی «تصویب و اجرای بی‌قید و شرط و فوری» آمده بود،^{۱۶} تبیین کرده است. در هر حال، این اولین باری است که شورا به تصویب معاهده مذکور به عنوان یک خواسته، اشاره می‌کند.

شایان ذکر است که تحمیل عضویت در یک معاهده بین‌المللی، هر چند در رویه شورا در قبال کره شمالی و عراق نیز سابقه دارد،^{۱۷} اما از نظر قاطبه حقوقدانان برجسته جهان، مغایر اصول مسلم حقوق معاهدات یعنی اصل رضایی بودن پذیرش معاهده است.

بند سوم: شورای امنیت،

احراز وضعیت ماهوی عملکرد ایران و تعیین آثار آن

در بندهای قبلی، شورا عمدتاً به بررسی مقدمات و تمهید پیش شرطها و همچنین بیان مواضع کلی خود در مورد عملکرد هسته‌ای کشورمان و وقایع مرتبط با آن در قالب آژانس، شورای امنیت، گروه ۶ و نظایر آن پرداخت. اما اکنون نوبت آن است که شورا تصمیمات خود را که متضمن دستورها و تحمیل الزاماتی بر ایران و سایر اعضای جامعه بین‌المللی است، اتخاذ نماید.

۱- قصور ایران از اجرای الزامات شورای حکام و قطعهنامه‌های شورای امنیت

شورای امنیت در همان نخستین بند اجرایی قطعهنامه، «تأیید کرده که ایران تاکنون از اجرای الزامات شورای حکام و پایبندی به قطعهنامه‌های چهارگانه شورای امنیت قصور نموده است». در این خصوص، با وجود اینکه بسیاری از محورهای مندرج در قطعهنامه فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام (قطعهنامه گزارش پرونده به شورای امنیت) حل شده، شورا مسائل باقیمانده را ملاکی قرار داده تا اعلام کند هنوز الزامات مذکور کاملاً برآورده نشده‌اند. در بند بعدی اجرایی قطعهنامه، محورهای اجرا نشده موردنظر شورا، دسته‌بندی شده است.

^{۱۶} این موضوع، از قطعهنامه سپتامبر ۲۰۰۳ شورای حکام به بعد، در همه قطعهنامه‌های آژانس و شورای امنیت تکرار شده است. نک: نادر ساعد، «تأملی بر اصل رضایی بودن پذیرش معاهدات در آیین تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، مجله حقوقی، ش ۳۲، بهار-تابستان ۱۳۸۴، صص ۸۸-۸۵.

^{۱۷} در مورد عراق، متأسفانه همین لحن شورا، این کشور را به تصویب کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک در ۱۹۹۱/۶/۱۹ وادار نمود. این در حالی بود که عراق به رغم امضای این کنوانسیون در ۱۹۷۲/۵/۱۱، از تصویب آن خودداری نموده بود.

ردیف	تشخیصها و تصمیمهای شورا	درخواستهای شورا از ایران	محرومیت‌های ایران	حقوق و تعهدات سایر دولتها و جامعه بین‌المللی
۱	قصور ایران از اجرای الزامات شورای حکام و قطعنامه‌های شورای امنیت	اجرای فوری الزامات شورای حکام و قطعنامه‌های شورای امنیت	محرومیت از ایجاد تأسیسات جدید غنی‌سازی	بازرسی محموله‌ها در قلمرو ملی
۲		اجرای کامل موافقتنامه پادمان و ترتیبات فرعی	محرومیت از فعالیت و سرمایه‌گذاری در معادن و مواد هسته‌ای در خارج از کشور	بازرسی محموله‌ها در دریای آزاد
۳			محرومیت از دسترسی به اقلام نظامی عمده	توقیف و امحای محموله‌ها
۴			محرومیت از فعالیت موشکی بالستیک	گزارش‌دهی به کمیته شورای امنیت
۵				عدم ارائه خدمات بونکری
۶				عدم ارائه خدمات مالی و بیمه‌ای

۲- درخواستها و دستورهای شورا در مورد ایران

شورا بعد از اینکه ایران را متخلف از تعهدات مندرج در قطعنامه‌های شورای حکام و ملل متحد شمرد، دستورهایی را در خصوص برطرف شدن این وضعیت صادر نموده و همچنین به عنوان پیامد این وضعیت که خلاف حقوق منشور شناخته است، محرومیت‌هایی را در مورد کشورمان مورد حکم قرار داده است.

الف) اجرای فوری الزامات شورای حکام و قطعنامه‌های شورای امنیت

قطعنامه تصریح دارد که «ایران باید بدون تأخیر، اقدامات مورد تأکید شورای حکام و شورای امنیت را به عمل آورد». این الزام، نتیجه احراز وضعیت مقدماتی است که در بند فوق، بدان اشاره شده است. این کار، برای تحقق موارد زیر ضروری است:

- ایجاد اعتماد به صرفاً صلح آمیزبودن برنامه هسته‌ای؛
 - حل مسائل باقیمانده؛
 - حل نگرانیهای جدی ناشی از ساخت تأسیسات جدید غنی‌سازی در قم؛
 - لزوم همکاری کامل ایران با آژانس در حل کامل مسائل باقیمانده
- درخواست از مدیرکل آژانس برای ارسال کلیه گزارشهای خود به شورا در مورد اعمال پادمان ایران

منظور این بند، گزارشهای آژانس در مورد اجرای پادمان هسته‌ای در ایران قبل از سال ۲۰۰۶ است. ظاهراً اعضای شورا تلاش می‌کنند تا از خلال این گزارشها، مواردی را بیابند تا علیه کشورمان مورد استناد قرار دهند.

ب) اجرای کامل موافقتنامه پادمان و ترتیبات فرعی

تصمیم شورا بر این است که برای خارج شدن از این وضعیت، ایران اقداماتی را به عمل آورد: اولاً دستور می‌دهد که فوری و بی‌قید و شرط و بدون هیچ‌گونه بحثی، موافقتنامه پادمان و از جمله کد ۳،۱ ترتیبات فرعی را کاملاً به اجرا درآورد؛ ثانیاً از ایران می‌خواهد دقیقاً بر اساس مقررات پروتکل الحاقی پادمان که در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرده، عمل کند؛ سریعاً پروتکل الحاقی را تصویب نماید.

در خصوص کد ۳،۱ شورا «تأیید مجدد می‌نماید که ترتیبات فرعی پادمان از طریق اقدام یکجانبه قابل تعدیل و تعلیق نیست و هیچ سازکاری در موافقتنامه برای تعلیق هیچ‌یک از مقررات ترتیبات فرعی وجود ندارد». در واقع، تفسیر شورا این است که چون سازکار صریحی برای تعلیق مقررات ترتیبات فرعی در موافقتنامه پادمان پیش‌بینی نشده و حقی در این زمینه به ایران اعطا نشده است، پس انجام این کار به صورت یکجانبه میسر نخواهد بود. همانطور که در استنتاج و پیشنهاد این تحلیل نیز آمده است، یافته‌های شورا در این خصوص صحیح و منطبق با مواد ۲۴، ۳۹ و ۴۵ موافقتنامه پادمان ایران و آژانس مصوب ۲۵ تیر ۱۳۵۳ به نظر می‌رسد.^{۱۸}

۳- محرومیت‌های ایران و اقدامات تنبیهی شورا

همانطور که گفته شد، شورا در واکنش به عدم اجرای قطعهنامه‌های قبلی، نه تنها الزامات افزوده و اضافی را بر کشورمان تحمیل کرده بلکه محرومیت‌هایی را هم مورد حکم قرار داده است. متأسفانه برخی از این محرومیتها هیچ ارتباطی به برنامه هسته‌ای ندارند. ولی شورا آنها را به عنوان دلیلی برای ملزم‌سازی ایران به اجرای الزامات قبلی و الزامات افزوده این قطعهنامه شناخته است.

الف) محرومیت از ایجاد تأسیسات جدید غنی‌سازی

نظر شورا این است که «چون ایران در قطعهنامه قبلی، متعهد به تعلیق کلیه فعالیتهای غنی‌سازی و آب سنگین و بازفرآوری است، ایران نمی‌توانسته هیچ تأسیسات جدیدی در مورد غنی‌سازی اورانیم یا بازفرآوری یا آب سنگین ایجاد نماید و در نتیجه باید هرگونه اقدام یا تصمیم در این

^{۱۸} در کد ۳-۱ ترتیبات فرعی این موافقتنامه نیز آمده است که اطلاعات طراحی تأسیسات باید شش ماه قبل از تصمیم به آغاز فعالیت ساخت، به آژانس ارائه شود. اما ایران به انتهای ماده ۴۲ موافقتنامه پادمان استناد می‌کند که مقرر می‌دارد این اطلاعات باید «هرچه زودتر قبل از ورود مواد هسته‌ای به تأسیسات جدید ارائه شود».

خصوص را سریعاً متوقف سازد».

در واقع، شورا چنین حقی را برای ایران به رسمیت نمی‌شناسد و مبنای این سلب حق را فصل هفتم منشور قرار داده است. این تصمیم شورا در واکنش به مصوبه هیأت وزیران برای ایجاد ده تأسیسات جدید هسته‌ای در کشور از طریق سرمایه‌گذاری داخلی و همکاری‌های خارجی اتخاذ نموده است. البته رویکرد قطعنامه آخر شورای حکام متفاوت از شورای امنیت است. شورای حکام بدون اینکه چنین حقی را از کشورمان سلب کند تنها تأکید دارد که ساخت آنها باید مخفی نباشد و قبلاً وفق پادمان به اطلاع آژانس برسد.

ب) محرومیت از فعالیت و سرمایه‌گذاری در معادن و مواد هسته‌ای در خارج از کشور
شورا چنین حکم نموده که «ایران حق فعالیت در هیچ کشوری در حوزه معادن اورانیم و تولید و کاربرد مواد و فناوری هسته‌ای مندرج در لیست ۲۵۴ آژانس را ندارد و همه کشورها باید سرمایه‌گذاری‌های مذکور ایران در کشورشان یا از سوی اتباع و شرکتهایشان در ایران را منع نمایند».

شایان ذکر است که هرچند محرومیت از دسترسی به اقلام مندرج در لیست ۲۵۴ آژانس از قطعنامه ۱۷۳۷ نشأت می‌گیرد، اما این نخستین بار است که شورا محرومیت فعالیت در صنایع معدنی اورانیم را در مورد یک کشور مورد حکم قرار می‌دهد.

پ) محرومیت از دسترسی به اقلام نظامی عمده
ایجاد محرومیت‌هایی در دسترسی به تجهیزات دفاعی سنگین از قطعنامه ۱۷۳۷ نشأت می‌گیرد. بر این اساس، «همه کشورها باید از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه تانک جنگی، ادوات و سیستم‌های توپخانه کالیبر بزرگ و هلیکوپتر و کشتی جنگی، موشک یا سیستم موشکی به ایران جلوگیری نمایند».^{۱۹} اما در قطعنامه جدید، چارچوب‌های ناظر بر منع دسترسی ایران به اقلام مذکور گسترش یافته‌اند.

تعهدات ناشی از این بند نه تنها شامل عدم مشارکت مستقیم در همکاری‌های دفاعی و فروش تجهیزات مذکور است بلکه ناظر بر «جلوگیری» از انتقال آنها به ایران است. این محرومیت یا تحریم سبب شده که سیستم بازرسی و پایش محموله‌ها در دریا و هوا، این اقلام دفاعی را نیز شامل شود.

ت) محرومیت از فعالیت موشکی بالستیک
در یکی از بدعتهای دیگر قطعنامه اخیر آمده که «ایران نباید هیچ‌گونه اقدامی در مورد موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای انجام دهد و همه دولت‌ها باید کلیه اقدامات مقتضی را

^{۱۹} در قطعنامه ۱۷۳۷، به منع فروش و انتقال سیستم موشکی به ایران اشاره نشده بود.

برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک فنی به ایران در این رابطه به عمل آورند». بند ۹ قطعنامه متضمن محرومیت فوق، نخستین منبع حقوقی در منع اقدام ایران در تولید و توسعه موشک و فناوری موشکی است. تاکنون شورا، چنین محدودیتی را بر کشورمان تحمیل نکرده بود. مخاطب مستقیم این تعهد، ایران بوده و نه تنها منع خرید، طراحی، تحقیقات و توسعه فناوریهای موشکی بلکه منع واردات و صادرات آن و منع تولید و کاربرد را نیز در بردارد. به نظر می‌رسد که سابقه این نوع تصمیمات را باید در قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱ در مورد عراق جستجو نمود که در بند ۱۰ آن اشعار نمود: «تصمیم شورا این است که عراق باید بدون قید و شرط عدم استفاده، تولید، توسعه، ساخت، و اکتساب ... موشکهای بالستیک را تقبل نماید».^{۲۰} البته همانطور که پیداست، عبارت‌پردازی قطعنامه ۱۹۲۹ منعطف‌تر و کلی‌تر از قطعنامه ۶۸۷ و فاقد ادبیات و مفاهیم حقوقی دقیق است.^{۲۱} اما همین کلیت ممکن است زمینه تفسیر موسع دامنه آن را فراهم سازد. ضمن اینکه بر همین اساس، به سایر دولتها این اختیار اعطا شده که «به هر طریق ممکن» از انتقال فناوری و کمک فنی به توسعه برنامه موشکی کشورمان جلوگیری نمایند. نفتیش و بازرسی بی‌حد و حصر و بی‌ضابطه، مستند به همین بند قطعنامه است.

۴- حقوق و تعهدات جامعه بین‌المللی دولتها

علاوه بر موارد فوق که خطاب به کشورمان و محرومیت از دسترسی به برخی اقلام بود و دولتها نیز تعهداتی را متحمل شده‌اند، تعهدات دیگری نیز بر دولتهای دیگر و ارکان ملل متحد بار شده و حقوقی هم برای آنها به رسمیت شناخته شده است.

الف) حق/ تعهد بازرسی محموله‌های ایرانی

شورا بازرسی محموله‌ها را در دو قالب بیان داشته است: بازرسی محموله‌ها در قلمرو ملی و بازرسی در دریای آزاد. در بازرسی محموله‌ها در قلمرو ملی: «همه دولتها حق دارند بر اساس موازین حقوقی داخلی و بین‌المللی، محموله‌های از ایران و به مقصد ایران را در قلمرو خود خواه بنادر یا فرودگاهها بازرسی کنند». در خصوص دریای آزاد نیز «دولتها حق دارند بر اساس حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون حقوق دریاها، از کشتیها در دریای آزاد با رضایت دولت صاحب پرچم، درخواست بازرسی نمایند و از سایر دولتها می‌خواهد با این امر موافقت کنند». شورا با «یادآوری اینکه حقوق دریاها به شرح مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲، چارچوب حقوقی قابل اعمال بر اقیانوسها و آبراههای بین‌المللی هستند» برای این کنوانسیون اعتباری مهم قائل شده

^{۲۰} در مورد بررسی این بند و ابعاد حقوقی آن، نک: نادر ساعد، پیشین، صص ۷۶-۸۰.

^{۲۱} با مقایسه دو بند از دو قطعنامه مذکور و قید «هیچ گونه اقدام» در قطعنامه ۱۹۲۹، به نظر می‌رسد که شورا نه تنها اکتساب موشکهای بالستیک بلکه تولید، توسعه و کاربرد آنها را نیز هدف قرار داده است بدون اینکه هیچگونه تفکیکی میان کاربردهای دفاعی و تهاجمی برقرار سازد.

است که در پرتو آن امکان بازرسی کشتیها در دریای آزاد، متضمن قواعد عرفی محسوب شود. با اینکه برخی از مفاد این کنوانسیون، ماهیت عرفی دارد^{۲۲} اما اشاره شورا به کنوانسیون سوم حقوق دریاهای، به دلیل ارتباط اجرای پایش و بازرسی کشتیها بر اساس سیستم پی.اس.آی. است. شورا تلویحاً اعلام داشته که در این خصوص، قواعد حقوق دریاهای را نیز مدنظر داشته است. متأسفانه این بند سبب شده که عملاً حتی بدون رضایت دولت صاحب پرچم هم کشتیهای ایرانی در دریای آزاد نه تنها مورد بازرسی قرار گیرند بلکه به مدت طولانی توقیف شوند. منظور از کشتیها، مطلق بوده و ممکن است شامل کشتیهای نظامی هم بشود. هرچند کشتیهای نظامی کشورمان حق دارند حمایت از تردد کشتیهای تحت پرچم کشور را در دریای آزاد برعهده گیرند، اما امکان برخورد نظامی را نباید از نظر دور داشت.

ب) توقیف و امحای محموله‌های ایرانی

«همه دولتها حق و تکلیف دارند که محموله‌های ممنوعه را توقیف و امحا نمایند». با اینکه در همه موارد فوق، تأکید شده که بازرسی و توقیف باید بر اساس ظن منطقی و وجود دلایل و شواهد کافی باشد، اما مسأله جبران خسارت توقیفها و بازرسیهای خارج از پوشش قطعنامه و نامشروع یا متکی بر دلایل نادرست یا سوءظنهای سیاسی، متأسفانه پیش‌بینی نشده است.

پ) گزارش‌دهی به کمیته شورای امنیت

محورهای گزارش‌دهی دولتها به کمیته قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت که مسؤلیتهای بررسی ممنوعیتهای افزوده شده بر افراد و نهادهای مندرج در قطعنامه‌های بعدی را نیز بر عهده دارد، به شرح زیر است:

- همه دولتها باید در موارد بازرسی و تفتیش کشتیها در قلمرو خود و دریای آزاد، موارد را با اطلاعات مربوط طرف پنج روز کاری به کمیته ۱۷۳۷ گزارش دهند و گزارشهای تفصیلی بعدی را نیز ارسال نمایند.
- از سوی دیگر، همه دولتهای عضو باید هر گونه اطلاعات در دسترس در مورد انتقالات یا اقدام هواپیمایی ایران یا کشتیهای خطوط کشتیرانی ایران در فرار از تحریمهای مندرج در بندهای این قطعنامه را نیز به کمیته گزارش دهند.
- دولتهای عضو ظرف ۶۰ روز، اقدامات خود در اجرای این قطعنامه را به کمیته گزارش دهند.

همانطور که ملاحظه می‌شود، مخاطب الزامات مذکور، متفاوت است. در مورد گزارش‌دهی

^{۲۲} قضیه مربوط به فلات قاره لیبی و مالت، رأی مورخ ۳ ژوئن ۱۹۸۵، نک: محمدرضا ضیائی بیگدلی و همکاران، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۴۴۸.

ظرف ۶۰ روز، صرفاً به دولتهای عضو ملل متحد اشاره شده است. گفتنی است که شورا با در نظر گرفتن اینکه کمیته تاکنون نتوانسته به صورت موفق عمل کند و اهداف قطعه‌نامه‌های قبلی را محقق سازد، به ویژه اینکه برخی دولتها همچنان به همکاری و تجارت با کشورمان ادامه داده‌اند، در جستجوی راه‌حلی دیگر برآمد. در این خصوص، پیشنهاد امریکا، ایجاد کمیته‌ای کارشناسی برای کمک به کمیته ویژه شورای امنیت بود. بر همین اساس، شورا «از دبیرکل می‌خواهد هیأتی از کارشناسان حداکثر هشت نفره را برای مدت یکسال جهت کمک به کمیته قطعه‌نامه ۱۷۳۷ تشکیل دهد» و این ساختار جدید، از جمله محصولات تولیدی قطعه‌نامه جدید است.

ت) عدم ارائه خدمات مالی و بیمه‌ای

شورای امنیت «از همه دولتها می‌خواهد علاوه بر اجرای تعهدات مندرج در قطعه‌نامه‌های قبلی، از ارائه خدمات مالی، از جمله بیمه‌ای به ایرانیها و شرکتهای ایرانی دخیل در برنامه هسته‌ای خودداری نمایند». ضمن اینکه «همه دولتها باید مراقبتهای لازم را در مورد تجارت با افراد و شرکتهای مذکور در قلمروشان به عمل آورند و از ایجاد شعبه و دفتر آنها جلوگیری و آن را منع کنند».

شورای امنیت تأیید کرده که برخی دولتها با غرب در اعمال فشار بر ایران همراهی نکرده‌اند. اما شورای امنیت این اقدامات را «تخلف و نقض قطعه‌نامه‌های شورای امنیت» تلقی نموده است. شورا بر این اساس، موارد نقض تعهد عدم مراوده مالی و همکاری با ایران را که توسط برخی دولتها صورت گرفته و به کمیته گزارش شده، محکوم می‌کند و از دولتهای رعایت‌کننده تعهد مذکور قدردانی می‌نماید و در این خصوص، از کمیته می‌خواهد به موارد نقض تعهد مذکور پاسخ مؤثر دهد و حتی اسامی افراد و نهادهای متخلف را منتشر نماید.

۵- ترمزهای مقرر در اجرای قطعه‌نامه

روسیه و امریکا با رغم اختلاف نظرهای جدی در رابطه با برخی مسائل بین‌المللی که به جنگ سرد جدید موسوم شده است،^{۳۳} در پیگیری و برخورد با برنامه هسته‌ای کشورمان رویکردی نسبتاً هماهنگ (البته نه کاملاً یکسان) داشته‌اند. روسها همانند چینیه‌ها، هرچند گاهی نقش ترمز برای جلوگیری از افراط در واکنشهای امریکا را بازی کرده‌اند اما همواره به این قطعه‌نامه‌ها رأی مثبت داده‌اند. ترمزهای نهفته در این قطعه‌نامه اساساً رهاورد این بازی دو دولت مذکور هستند. ممنوعیت تفسیر موسع قطعه‌نامه، عمده‌ترین نمونه این امر است.

در واقع، یکی از برجسته‌ترین نکات این قطعه‌نامه هم برای ایران و هم در مقایسه با قطعه‌نامه

^{۳۳} حسن نقدی‌نژاد و امیرمحمد سوری، «جنگ سرد جدید»، سیاست دفاعی، ش ۶۲، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۶۷-۱۶۸.

قبلی، تلاش روسیه و چین برای جلوگیری از تفسیرهای موسع دیگر اعضای شورای امنیت به منظور اعمال فشارهای فراقطعنامه‌ای بر کشورمان است. بند ۲۳ مقدمه قطعنامه متضمن جمله‌ای است با این عبارت که «هیچ چیز در این قطعنامه، دولتها را به اتخاذ تدابیر یا اقداماتی فراتر از قلمرو این قطعنامه از جمله توسل به تهدید به زور ملزم نمی‌نماید».

می‌دانیم که منع تهدید و توسل به زور، قاعده‌ای است که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد - به عنوان معاهده‌ای قانون‌ساز^{۲۴} تدوین شده و چنان گستره‌ای دارد که حتی از قوه قهریه و اقدام نظامی نیز فراتر رفته و «به هر روشی مغایر اهداف و اصول ملل متحد» تعمیم یافته است.^{۲۵} شورا نیز باید قوام بخش این اصل از اصول ملل متحد بوده و مانع از برداشتهای یکجانبه برخی دولتها برای عدول از آن یا تعمیم مستثنیات آن باشد. از این رو، شورا در همه قطعنامه‌های ششگانه خود تأکید کرده که اگر در آینده هم نیاز به اقدام باشد، اساساً بر اساس ماده ۴۱ اقدام خواهد کرد. «یعنی شورا قصد ندارد از ماده ۴۱ فراتر برود. حتی شورا از ماده ۴۱ هم به طوری محدودی استفاده کرده است».^{۲۶} اشاره به منع تهدید و توسل به زور در مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹ را باید در همین راستا دانست.

با این حال، به نظر می‌رسد که امریکا به عنوان تدوین‌کننده اصلی این قطعنامه، تمامی تلاش خود را برای خنثی کردن رویکردهای تعدیل‌کننده روسیه و چین به عمل آورده و در این خصوص، موفق هم بوده است. توضیح اینکه آنچه بند بالا آمده، عدم الزام است و نه عدم اجازه. مفهوم مخالف متن مذکور این است که قطعنامه دولتها را به اقدامات فراتر از مفاد قطعنامه ملزم نمی‌کند اما آنها از این اقدامات منع نشده‌اند و در صورتی که خود به صورت اختیاری تشخیص دهند، می‌توانند فشارهای لازم را به منظور تحقق اهداف قطعنامه به عمل آورند. البته می‌توان در خصوص ممنوعیت اقدامات فراقطعنامه‌ای، به تفسیر حقوق منشور پرداخت. اما مهم این است که درج قید «مجاز نمی‌کند» به جای «ملزم نمی‌کند» در بند مذکور می‌توانست مبنایی برای تطبیق تصمیمات اتحادیه اروپا و سایر دولتها علیه ایران با مفاد قطعنامه را فراهم سازد. اما در شرایط حاضر، این امر بدون اینکه از صراحت کافی برخوردار باشد، به امری تفسیری و در نتیجه چالش‌دار تبدیل شده است. به واقع، روسها و چینها در این خصوص نسبت به ادبیات حقوقی بند ۲۳ مقدمه، دقت و توجه کافی را مبذول نداشته‌اند.

علاوه بر این، در انتهای بندهای متعددی از قطعنامه، قیودی تصریح شده است تا اعمال تحریمها یا حق بازرسی و کنترل اقدامات مرتبط با ایران را با هدف قطعنامه یعنی واداشتن ایران به

^{۲۴}. قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی امریکا در و علیه نیکاراگوئه، رأی مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان

بین‌المللی دادگستری، بند ۲ قسمت ۱۰، در: همان، ص ۴۹۶.

^{۲۵}. در خصوص همین رویکرد عام در تفسیر بند ۴ ماده ۲ منشور، نک: جمشید ممتاز، «پرونده هسته‌ای ایران و

نظام عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای»، پیشین، صص ۲۵-۲۴.

^{۲۶}. همان، ص ۹.

اجرای قطعنامه‌ها و منع تسویه حسابهای میان دولتی، تطبیق دهد. اما هیچ سازکاری برای نظارت بر این امور وجود نداشته، کمیته تحریم نیز سیاستی دایر بر بسط فشارها دارد.

فرجام: چشم انداز پرونده هسته‌ای و گزینه‌های پیش رو

بر اساس بند ۱۲ مقدمه، اعتقاد راسخ شورا این است که تعلیق غنی‌سازی و پایبندی قابل راستی آزمایی ایران به کلیه الزامات شورای حکام، به حل دیپلماتیک و مذاکره‌ای خواهد انجامید که صرفاً صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را تضمین خواهد کرد. در این خصوص، اولاً تنها الزامات شورای حکام مبنا است و نه شورای امنیت؛ ثانیاً نگفته که عمل به الزامات شورای حکام موجب خاتمه رسیدگی به پرونده می‌شود. چون شورای امنیت وارد مقوله‌های موشکی و فعالیت‌های نظامی دفاعی هم شده است. بعید است شورا این محورهای مهم برای غرب را از نظر دور بدارد. به همین دلیل است که چنین وعده‌ای هم در قطعنامه داده نشده است. در هر حال، سه گزینه محتمل همان است که در بند ۲۴ قطعنامه ۱۷۳۷ مطرح و در قطعنامه‌های دیگر هم تکرار شده است.

۱- تعلیق همزمان (تعلیق تحریمها در مقابل تعلیق غنی‌سازی)

قرار است مدیرکل ظرف ۹۰ روز گزارشی از اینکه ایران تعلیق را به عمل آورده یا نه و در مورد فرایند پایبندی ایران به الزامات شورای حکام و قطعنامه‌های شورا تهیه و همزمان به شورای حکام و شورای امنیت ارسال نماید. بر اساس این قطعنامه، همه تصمیمات بعدی شورا، بستگی به محتوای این گزارش دارد. یعنی شورا پس از دریافت گزارش مدیرکل آژانس تشکیل جلسه خواهد داد. اگر ایران تعلیق غنی‌سازی را انجام داده باشد، برای اینکه مذاکرات به سرانجام برسد، اجرای تدابیر! را تعلیق خواهد نمود. اولاً منظور شورا از تدابیر، غیرشفاف و نامشخص است ولی باید منظور، تحریمها و همه ممنوعیتها و محدودیتها باشد. ثانیاً تعلیق به معنای حذف ایران از دستورکار شورای امنیت نیست. بلکه مادامی که مذاکرات و تعلیق غنی‌سازی ادامه دارد، ترتیبات قطعنامه‌ها هم معلق خواهند شد. بدیهی است که این امر، مستلزم قطعنامه شورای امنیت خواهد بود.

تعلیق، مقدمه مذاکره است، هرچند عملاً مذاکرات طی سالهای گذشته در شرایط تحریم (و نه تعلیق غنی‌سازی یا تحریمها) انجام شده است. برای مفتوح شدن فضای دیپلماتیک و پیگیری بسته‌های هسته‌ای، شورای امنیت از نماینده عالی اتحادیه اروپا می‌خواهد مذاکره با ایران برای دستیابی به راه حلی دیپلماتیک از جمله بر اساس پیشنهادهای گروه ۶ را ادامه دهد. متأسفانه شورا در این خصوص، بسته هسته‌ای کشورمان را هرگز مطرح نکرده و آن را به عنوان «پیشنهادی موجود بر روی میز مذاکره» به حساب نیاورده است. با این حال، شورا از همان قطعنامه اول تاکنون، این روند را که به چماق و هویج موسوم است، مطرح کرده است. یعنی در کنار پیش‌بینی

الزام به تعلیق غنی‌سازی و پذیرش پروتکل الحاقی، بر پیگیری مذاکرات گروه ۶ برای تحقق این امر تأکید نموده است. «این امر نشان‌دهنده آن است که خود شورای امنیت نیز به این قطعنامه‌ها امیدوار نیست و امید ندارد که بتواند به خودی خود، ایران را قانع کند دست از غنی‌سازی بردارد و به پروتکل محلق شود».^{۲۷}

۲- خاتمه تحریمها در مقابل اجرای کامل قطعنامه‌ها

بر اساس بند ۳۷ اجرایی قطعنامه، اگر در گزارش بعدی مدیرکل آژانس به شورا، تأیید شود که ایران علاوه بر تعلیق، تعهدات خود بر اساس سایر الزامات شورای حکام و قطعنامه‌های شورا را کاملاً انجام داده است، به تدابیر مندرج در برخی بندهای قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و بندهایی از این قطعنامه خاتمه خواهد داد.

اولاً مسائل حل نشده و الزامات قطعنامه‌ها که فراتر از فعالیتهای هسته‌ای هستند، چنان گسترده‌اند که عملاً تحقق همه آنها نه تنها آن هم ظرف ضرب‌الاجل تعیین شده (۹۰ روز تا صدور گزارش بعدی آژانس)، ناممکن است بلکه به معنای شکست سیاست هسته‌ای کشورمان و عقب‌گرد به سال ۲۰۰۶ است. ثانیاً حتی اگر ایران همه الزامات تا ۲۰۰۶ و حتی تا ۲۰۱۰ شورای حکام و شورای امنیت را کاملاً هم اجرا کند، ایران از دستورکار شورای امنیت خارج نمی‌شود^{۲۸} بلکه صرفاً اجرای بندهایی از قطعنامه‌های صادره، متوقف می‌شود!

۳- تشدید تحریمها و اتخاذ دیگر تدابیر

بر اساس بند ۳۷ اجرایی قطعنامه، اگر گزارش شود که ایران به قطعنامه‌های شورا عمل نکرده است، تدابیر دیگری را بر اساس ماده ۴۱ اتخاذ خواهد کرد و اگر لازم شود، تدابیر تکمیلی دیگری را نیز اتخاذ خواهد نمود.

با توجه به آنچه گفته شد، ترتیبات قطعنامه و شرایط عملی متأثر از آنها و همچنین عملکرد گروه ۶ که پشتیبان قطعنامه هستند، عمدتاً به سمت گزینه سوم تمایل دارد و این امر به معنای قرار دادن ایران در سیل دائمی قطعنامه‌های شورای امنیت خواهد بود.

پیشنهاد: طرحی نو در تحکیم حق ایران در پرتو ظرفیتهای حقوقی

در مورد نحوه عمل کشورمان، یک پیشنهاد قبول تصویب پروتکل الحاقی در قبال شناسایی حق غنی‌سازی ایران توسط شورای امنیت است.^{۲۹} این پیشنهاد در صدد است تا میان دو محور موضع

^{۲۷} همان، ص ۸.

^{۲۸} نک: سیدقاسم زمانی و سیدحسین سادات میدانی، «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از رجوع تا تحریم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۴۵.

^{۲۹} جمشید ممتاز، «پرونده هسته‌ای ایران و نظام عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای»، پیشین، صص ۱۸-۱۷.

گیری شورا یعنی‌سازی و تصویب پروتکل الحاقی فاصله بیندازد و یکی را در قبال انصراف از دیگری قرار دهد. البته شورای امنیت با پیش‌بینی بند ۲۴ قطعهنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ و تکرار آن در قطعهنامه‌های بعدی، حق غنی‌سازی ایران را نفی نکرده بلکه از «تعلیق» آن تا خاتمه مذاکرات هسته‌ای صحبت نموده است.

علاوه بر پیشنهاد تصویب قطعی پروتکل الحاقی، پیشنهادهای دیگری نیز در زمینه چگونگی عملی نمودن این محور از راهبرد هسته‌ای پیشنهادی کشور قابل طرح است: تصویب پروتکل و مشروط شدن تودیع و اجرای آن به تعلیق قطعهنامه‌های شورای امنیت یا عادی شدن رسیدگی‌های شورای امنیت و یا عادی شدن رسیدگی‌های شورای حکام، از جمله گزینه‌های قابل طرح است. در اعمال رویکرد تعدیل همکاری به محدوده تعهدات حقوقی طی پنج سال اخیر، کشورمان موفق شد ضمن تمرکز بر تسریع غنی‌سازی و ارتقای سطح آن را افزایش داده و همچنین انعقاد موفقیت آمیز مدالیته با آژانس و حل تمامی محورهای این طرح کاری، مسائل حل نشده را به مفهومی که شورای حکام آژانس تا سال ۲۰۰۵ در نظر داشت، حل قطعی نماید و مهمتر از همه اینکه گزینه مذاکره به شرط تعلیق غنی‌سازی در قطعهنامه ۱۷۳۷ را به تعلیق در برابر تعلیق تغییر دهد. با این حال، این رویکرد به دلیل اینکه بر تعلیق غنی‌سازی-تصویب و اجرای پروتکل الحاقی متمرکز نبوده، موجب توقف قطعهنامه‌های شورای امنیت نشده است. نظر به اینکه در هیچ‌یک از دو سیاست مذکور، محورهای حقوقی در اولویت نبوده‌اند (و در سیاست تعامل، در اجرای تعهدات حقوقی و در سیاست مقاومت، در نفی فرصت‌های حقوقی افراط به عمل آمده) لازم است با به کارگیری هوشمندانه ابعاد حقوقی این موضوع، طرحی نو و متوازن از مقاومت و تعامل در انداختن به طوری که در مقابل سناریوهای سیاسی حریف، از ابزارهای حقوقی به صورت هوشمندانه و برنامه‌ریزی شده (در کنار سایر مجاری)، برای سناریوسازی و ضدسناریوها اقدام نمود. حفظ قدرت منطقه‌ای کشور و استفاده از آن به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر عناصر محیط فرمانطقه‌ای مستلزم ایجاد تغییراتی در برخی محورها و اجزای راهبرد هسته‌ای کشور (با در نظر گرفتن شاخصهای ایجاد، حفظ و ارتقای قدرت منطقه‌ای)^{۳۰} است. در این خصوص، محورهای زیر را می‌توان مورد توجه و تأمل قرار داد.

(۱) به نظر می‌رسد که تعلیق غنی‌سازی با مدت زمان مشخص و با انعقاد موافقتنامه‌ای چندجانبه که در آن الگوی مدالیته مدنظر قرار گرفته و تضمین‌های حقوقی متقابل هم تصریح شود و از تبدیل شدن تعلیق (فرایندی موقتی)^{۳۱} به توقف (روندی دائمی) غنی‌سازی جلوگیری نماید، مناسب‌تر است. حذف الزام به تصویب پروتکل الحاقی و همچنین ایجاد تعهد حقوقی بر گروه ۶ برای تأمین سوخت مورد نیاز ایران طی مدت زمان تعلیق و همچنین اجرایی نمودن ماده ۵

^{۳۰} نک: محمود عسکری، «شاخصهای قدرت منطقه‌ای»، راهبرد دفاعی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۶، صص ۷۲-۷۷.

^{۳۱} نک: سیدقاسم زمانی و سیدحسین سادات‌میدانی، پیشین، ص ۵۴.

ان.پی.تی. یعنی توزیع داده‌های صلح‌آمیز مربوط به آزمایش‌های هسته‌ای»، گزینه‌های مناسبی برای طرح در این موافقتنامه خواهند بود. رسیدگی به فعالیتهای هسته‌ای کشورمان، موضوعی موردی نیست بلکه شورا آن را نمونه‌ای برای برخورد با سایر موضوعات عدم گسترش شناخته است. شاید به همین دلیل است که بیانیه رئیس شورای امنیت مورخ ۲۹ مارس ۲۰۰۶ در مورد کشورمان، تحت عنوان «عدم گسترش» صادر شد.^{۳۲}

(۲) مقاومت در برابر آن دسته از بندهای قطعنامه‌های شورا که مغایر حقوق بین‌الملل عام و حقوق انرژی هسته‌ای است، موضع پایدار کشورمان است. با این حال، نظر به اینکه بخشهایی از مفاد این قطعنامه‌ها، از نظر حقوقی دارای پشتوانه صحت می‌باشد، ضروری است به منظور افزایش استحکام و استناد حقوقی مواضع کشور، اجرای این بندها در تصمیم ملی مدنظر قرار گیرد. عمده‌ترین نمونه این امر، کد ۳،۱ ترتیبات فرعی پادمانی است. نگرانی مذکور را شورا از قطعنامه ۱۸۰۳ به بعد مطرح کرده است. شورا در قطعنامه ۱۹۲۹ به تفسیر کد ۳،۱ موافقتنامه پادمان ایران-آژانس پرداخته و اعلام نموده که حق آژانس، قابل تعلیق و تعدیل یکجانبه نیست و حق آژانس مستمر و مستقل از ساخت یا وجود مواد هسته‌ای در تأسیسات است. شورا ضمن تکرار تصمیم خود به تنفیذ اقتدار آژانس و حمایت قوی از نقش شورای حکام و تلاشهای آن در حل مسائل باقیمانده مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، کشورمان را ملزم نموده از اصرار بر تعلیق کد مذکور خودداری نماید و چنین اصراری را نامشروع شمرده است. شایان ذکر است که بر اساس مواد ۲۴ و ۳۹ موافقتنامه پادمان ۱۳۵۲، اصلاحات در پادمان و ترتیبات فرعی آن باید دوجانبه باشد. ماده ۴۵ همین موافقتنامه تصریح نموده که «هرگونه اصلاحات در اطلاعات طراحی که مرتبط با اهداف پادمان باشد باید جهت بررسی در اختیار آژانس قرار گیرد» و تصمیم شورا از این حیث، با مقررات مذکور مطابقت دارد.

نظر به اینکه تعلیق ترتیبات فرعی پادمان صرفاً بر اساس توافق دوجانبه ممکن است و کشورمان مخالف همیشگی یکجانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی است، لازم است در اجرای مواد ۲۴، ۴۲ و ۴۶ موافقتنامه پادمانی ۱۳۵۲، به تعلیق اجرای این ماده درباره اطلاعات طراحی خاتمه داد. البته دیپلماسی موفق هسته‌ای می‌تواند این تصمیم را در راستای ارتقای همکاری با آژانس و کمک به مذاکرات سازنده جلوه دهد. حفظ مناسبات موفق و دوستانه با آژانس در این شرایط که فضای شورای امنیت به تشدید فشارها تمایل دارد، عرصه‌ای برای تعدیل این فشارها و بهره‌گیری ملی خواهد بود. روشن است که ایجاد نارضایتی در آژانس و تبدیل کردن آن به دشمنی در کنار گروه ۶ و شورای امنیت، وضعیت پرونده هسته‌ای را وخیم‌تر خواهد کرد. ما باید رابطه خود را با آژانس بازسازی نموده، از دستاوردهای آن به منظور ابزاری علیه گروه ۶ و در نتیجه شورای امنیت استفاده نماییم. نتایج این امر در حوزه دیپلماسی عمومی را نباید از نظر دور داشت.

(۳) در مورد مطالعات ادعایی، باتوجه به اینکه امریکا از ارائه اسناد و اطلاعات اتهامات خود سر باز می‌زند و آژانس نیز از این وضعیت راضی نیست، باید با انعقاد طرح کاری ۲ یا خارج کردن روند رسیدگی از محدوده آژانس-امریکا و ایران به حوزه‌ای بزرگتر مثلاً با حضور ترکیه و بزریل، این مسائل را نیز حل و فصل نمود.

نهایتاً اینکه پاسخهای ناچیز حقوق مبهم هسته‌ای به پدیدارهای معاصر و پیش رو، تولید مفاهیم جدید را طلب می‌کند. «برای ایجاد مفاهیم تازه‌ای که بتواند پاسخگوی لوح سیاهی باشد که تاریخ نیمه دوم قرن بیستم بر آن نگاشته است، به قدرت خلاقیتی بیش از گذشته نیاز است».^{۳۳} در عصر بشریت و تکریم انسان، طرحی نو باید و نرماهایی نو. جامعه حقوقی ایران که دارای ذخایر فکری عظیم و خردی عالم گیر است، باید پیشرو این جریان در جهان سوم باشد؛ امری که تاکنون در عملکرد این جامعه و مطالبه چنین حقی ملی و جهانی، نمود بارز و بایسته نیافته است.

فهرست منابع و مآخذ

- اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای
 دویوبی، پیر ماری، «قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی کیفری و قواعد آمره»، ترجمه دکتر سیدعلی هنجنی، مجله حقوقی، ش ۳۳، ۱۳۸۴.
 زمانی، سیدقاسم و سیدحسین سادات میدانی، «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم»، مجله پژوهشهای حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۸۵.
 ژانرو، مونیک شمیلیله، بشریت و حاکمیتها: سیری در حقوق بین‌الملل، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، تهران، آگه، ۸۲.
 ساعد، نادر، «تأملی بر اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در آیین تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، مجله حقوقی، ش ۳۲، بهار-تابستان ۱۳۸۴.
 ضیائی بیگللی، محمدرضا و همکاران، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
 عسکری، محمود، «شاخصهای قدرت منطقه‌ای»، راهبرد دفاعی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۶.
 قطعهنامه‌های شورای امنیت: سال ۲۰۰۶: دو قطعهنامه (۱۶۹۶ و ۱۷۳۷)؛ سال ۲۰۰۷: یک قطعهنامه (۱۷۴۷)؛ سال ۲۰۰۸: دو قطعهنامه (۱۸۰۳ و ۱۸۳۵)؛ سال ۲۰۰۹: قطعهنامه ۱۸۸۷؛ سال ۲۰۱۰: یک قطعهنامه (۱۹۲۹). قطعهنامه ۱۸۸۷.
 مدافعات آقای دکتر محمد مصدق و آقای پروفیسور رولن در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه راجع به اثبات عدم صلاحیت دیوان مزبور در رسیدگی به موضوع ملی شدن صنعت نفت در ایران از ۱۹ خرداد تا ۲ تیر ۱۳۳۱، مترجم نامشخص، انتشارات زبرجد، بی‌تا، ص ۳.
 مقدم، جعفر، و بهمن فلاح‌تراد، «مروری بر مقررات پروتکل الحاقی و خلاصه‌ای از نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران»، در: سیدحسین موسویان (گردآورنده)، پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، صص ۳۱۳-۲۶۳.

^{۳۳} مونیک شمیلیله ژانرو (با تغییر در ایده)، پیشین، ص ۶۹.

- ممتاز، جمشید، «پرونده هسته‌ای ایران و نظام عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای»، متن سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشگاه تهران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸.
- ممتاز، جمشید، «تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل»، در ایران و حقوق بین‌الملل، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶.
- موافقتنامه پادمانی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، مصوب ۱۳۵۲.
- نقدی‌نژاد، حسن و امیرمحمد سوری، «جنگ سرد جدید»، سیاست دفاعی، ش ۶۲، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۶۷-۱۴۱.



JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study